نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره ۶۰، بهار ۱۴۰۰

تدوین مؤلفه‌های ماندگاری فضاهای معماری شهری با تأکید بر ضرب آهنگ‌های زندگی روزمره (نمونه موردی: محدوده‌ی بازار تبریز)[1]

دریافت مقاله: ۹۸/۱/۲۳ **پذیرش نهایی**: ۹۸/۵/۳۰

صفحات: ۲۱۸-۲۰۱

الهام حاتمی گلزاری: دانشجوی دکتری معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
Email: e.hatami.g@gmail.com
احمد میرزا کوچک خوشنویس[2]: استادیار گروه ابنیه و بافت، پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران، ایران
Email: a.m.khoshnevis@gmail.com
قادر بایزیدی: استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
Email: Q_bayzidi@iausdj.ac.ir
فواد حبیبی: استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران
Email: habibi_foad@yahoo.com

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ماندگاری فضاهای شهری با تأکید بر ضرب آهنگ‌های زندگی روزمره‌ی مؤثر در سه محدوده‌ی بازار تبریز (راسته بازار، مسجد جامع و میدان صاحب‌الامر) نگاشته شد. روش تحقیق در مطالعه‌ی حاضر توصیفی – تحلیلی است که برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی و میدانی (مشاهده، مصاحبه و پرسشگری) بهره گرفته شده است. همچنین در این تحقیق علاوه بر کاربرد روش کیفی به‌منظور تحلیل علل ماندگاری در محدوده‌های مورد مطالعه، از روش کمی تحلیل واریانس در راستای بررسی تفاوت ماندگاری فضاهای شهری در محدوده‌های مورد مطالعه استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در محدوده‌ی مسجد جامع عامل معنویت (۰/۳۷۶)، اجتماعی – اقتصادی و کارکردی (۰/۳۵۲)، در محدوده‌ی راسته بازار عامل هویت (۰/۳۱۴) و در محدوده‌ی صاحب‌الامر عامل معنویت (۰/۳۲۷) و هویت (۰/۳۰۵) بیشترین دلیل ماندگاری محدوده‌های مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌های مختلف زندگی روزمره دارای ضرب‌آهنگ‌هایی است که در عین تکرار در چرخه زندگی روزمره، در طول زمان بصورت خطی (روبه پیشرفت، پسرفت و ثابت) بوده که به دو صورت کل به جزء و جزء به کل بر ماندگاری و افول فضاها تأثیرگذارند. در این بین رویکردها و مؤلفه‌های فرهنگی حاصل از کل به جزء مانند آیین‌ها و فرهنگ‌های مختلف یک اجتماع تأثیر بسزایی در افزایش ماندگاری فضاها داشته و خواهند داشت. بنابراین می‌توان با استمرار آیین‌ها و مراسم فرهنگی در محدوده‌های مورد مطالعه موجبات ماندگاری این فضاها را فراهم ساخت.

کلید واژگان: ضرب‌آهنگ کاوی، ماندگاری معماری شهری، معنا و هویت، بازار تبریز.

---

۱ - این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری تحت عنوان "جلوه‌ی کمال‌جویی در ضرب‌آهنگ کاوی زندگی روزمره و تأثیر آن در ماندگاری معماری، بررسی چهارگونه از بناهای تاریخی تبریز" با همکاری نویسندگان می‌باشد.

۲ - **نویسنده مسئول:** تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

مقدمه

فضای شهری به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم فضا، از مقوله‌ی فضا مستثنی نیست. بدین معنی که ابعاد اجتماعی و فیزیکی فضای شهر رابطه‌ای پویا با یکدیگر دارند. در واقع فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود. به تعبیر گاتمن[1] محیط مصنوع یک سخت‌افزار است که درون آن، نظام اجتماعی به مثابه‌ی نرم‌افزار عمل می‌کند (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۸). شکل‌گیری فضای شهر هنگامی رخ می‌دهد که یک شهر به‌صورت ارگانیک و خودبه‌خود تحت تأثیر عوامل گوناگون و عموماً ناآگاهانه و تدریجی به وجود می‌آید. در این زمینه، عواملی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و برآیند تأثیر این عوامل –چه مستقیم و چه غیرمستقیم– شکل شهر و ساختار آن را پدید می‌آورد. این عوامل عبارت‌اند از: عوامل جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیکی و ... (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۱۷). مطابق با این نظریه، ساختار فضایی هر سکونتگاه زیستی رابطه‌ی مستقیمی با پیکره‌بندی کالبدی و فضایی آن دارد و می‌تواند تبیین‌کننده‌ی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان آن باشد (هیلییر و هانسون[2]، ۱۳:۲۰۰۳). از طرفی کالبد فضایی شهر، صحنه‌ی نمایش زندگی روزمره‌ی مردم است و نقش مهمی در توسعه‌ی جامعه دارد (مدیری، ۱۲:۱۳۸۵). زندگی روزمره عبارتی است برای اشاره به اعمال، افکار، یا احساساتی که در زندگی یک فرد، گروه یا جامعه به طور معمول و روزانه جاری است (فیشمن[3]، ۷۱۶:۲۰۱۳). بخش عمده‌ای از زندگی روزمره از ویژگی‌های جاری محیط جهت یافته و به واسطه‌ی فرایندهای شناختی خودکار شخص از محیط، و بدون دخالت هیچ نوع انتخاب خودآگاهی به صورت خودکار اتفاق می‌افتد. جامعه‌شناسی «زندگی روزمره» شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که به بررسی معنای زندگی روزمره و سازمان آن می‌پردازد. شروع بحث جامعه شناسی «زندگی روزمرّه» در فلسفه‌ی پدیدارشناختی ادموند هوسرل[4] ریشه دارد. از دید او معرفتِ علمی از تجربه و «زندگی روزمرّه» نشأت گرفته که اینک از آن جدا شده و وظیفه‌ی پدیدارشناسی از بین بردن شکاف بین معرفتِ علمی و تجربیات زندگی روزمرّه‌ی انسان است (ریتزر[5]، ۱۳۹۴: ۳۷۶). در طول سال‌ها، آنچه که مردم در «زندگی روزمره‌ی» خود انجام می‌دهند به طور چشمگیری تغییر کرده است. فرم‌های مختلف رسانه‌ای در خدمت اهداف مختلفی در زندگی روزمره‌ی افراد متفاوت درآمده‌اند، که این امر به مردم فرصت انتخاب استراتژیک و منطقی از فرم‌های گوناگون رسانه‌ای می‌دهد تا به طور مؤثری به آنها در انجام وظایفشان کمک کرده باشند (از قبیل تماشای تلویزیون، استفاده از اینترنت، گوش دادن به رادیو، خواندن روزنامه و مجلات، و غیره) (کرایب[6]، ۲۳:۱۳۹۵). از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، نظریه‌پردازان اجتماعی و فرهنگی، زندگی روزمره را به عنوان حوزه‌ای پویا و قابل بحث مطرح کرده‌اند. لذا دیگر نمی‌توان زندگی روزمره را به صورت کلیتی متجانس و همگون توصیف کرد، بلکه برعکس، باید زندگی روزمره را حیطه‌ای بسیار کثرت‌گرا و پر منازعه دانست. بنا به این استدلال، پایه و اساس این تغییر نگرش درباره‌ی زندگی روزمره، چند عامل است

1 - Gattman
2 - Hillier and Hanson
3 - Fishman
4 - Edmond Hosrel
5 - George Ritzer
6 - Ian Craib

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

که به یکدیگر مربوط‌اند. تغییرات ایجاد شده در زندگی روزمره در فضاهای شهری طی ادوار مختلف باعث تغییرات گسترده‌ای می‌شود که یکی از این تغییرات در فضاها و بناهای شهری رخ می‌دهد که باعث افزایش ماندگاری فضاها و بناهای شهری از یک‌سو و از طرفی باعث رکود این بناها و فضاها می‌گردد. ماندگاری، بیان نوعی تداوم تاریخی و به دنبال آن تداوم فرهنگی است. پدیده‌ی جاودان، یک پدیده‌ی تکامل یافته است و تمامیت دارد و چون توانسته است در طول زمان علیرغم همه‌ی تحولات پیرامون بماند، در تحلیل‌ها و بررسی‌ها حکم مرجع را پیدا می‌کند و در هر دوره از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی و استناد می‌شود (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴). ماندگار و جاودانه شدن یک فضا و پدیده، علاوه بر ویژگی‌هایش، نحوه‌ی برخورد با آن در دوره‌های بعدی و همچنین شرایط پیرامون آن مؤثر است. همچنین ماندگاری در معنا، کارکرد و کالبد یک پدیده (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۱۰۸) و ارتباط آن با مؤلفه‌های گوناگون (حسینی، ۹۴:۱۳۹۶) قابل بررسی است. بنابراین طرح این مسئله نیاز به یک بررسی متفکرانه، دقیق و همه جانبه دارد (آیوازیان، ۱۳۸۵: ۶). با توجه به اینکه زندگی روزمره دارای ضرب آهنگ‌های متفاوتی در محور زمان از منظر ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... بوده و تأثیر هر کدام به شکل‌های مختلف بر ماندگاری یک فضا یا بنای شهری نمایان می‌شود؛ در این تحقیق هدف تدوین مؤلفه‌های ماندگاری فضاهای شهری با تأکید بر ضرب آهنگ زندگی روزمره است، که پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر اساس کار می‌باشد:

- مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ماندگاری معماری کدامند و فضاهای مختلف بازار تبریز از منظر مؤلفه‌های ماندگاری در چه وضعیتی می‌باشند؟
- نقش ضرب آهنگ‌های زندگی روزمره در محور زمان (خطی و چرخه‌ای) در ماندگاری فضاهای مختلف بازار تبریز به چه صورتی می‌باشد؟

در راستای ماندگاری، زندگی روزمره و ضرب‌آهنگ کاوی بصورت جداگانه مطالعات متعددی انجام شده است، درحالی که تلفیق این سه موضوع، پژوهشی جدید و نوآوری این تحقیق بوده که به منظور پر کردن خلاء پژوهشی موجود می‌باشد. از جمله مطالعاتی که با موضوع مورد مطالعه همپوشانی داشته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

میک[1] (۱۳۸۱)، در پژوهش خود زیبایی‌شناختی کردن زندگی روزمره را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. کامیار (۱۳۸۷)، در تحقیقی به بررسی هنر، تکرار ریتم کیهانی با رویکرد نشانه‌شناختی پرداخته است. ایشان بررسی‌های تحقیق را با استفاده از عرصه‌ی نشانه‌شناسی با تعریف دوباره‌ی مسأله شکل داده است. هدف، ایجاد مباحثه‌ی نظریه‌های جدید در کالبد معماری ایران است که به مثابه‌ی گونه‌ای تحلیل برای انتقال ایده‌های نمادین و هدف‌دار در سنت هنر ایران شکل گرفته است. صالحی‌نیا (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای اجتماع‌پذیری فضای معماری را مورد پژوهش قرار داده است. ایشان سعی داشته است با کنکاشی در چگونگی سازگاری و ترکیب کردن زمینه‌های کالبدی فضای معماری و زمینه‌های روانی - اجتماعی استفاده کنندگان از آن، بوسیله‌ی طرح محیط کالبدی و با معیت همساختی بالای این دو وجه، گامی هرچند کوچک در جهت نزدیکترکردن انسان‌های حاضر در فضای معماری، خصوصاً فضاهای عمومی ابنیه‌ی مسکونی، فرهنگی، آموزشی و درمانی، که

1 - Mick

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

جزو بناهای آنتروپوفیلیک (انسانی) محسوب می‌شوند و روح انسان‌ها در آن‌ها، مخاطب فضاست، بردارد. کمالی (۱۳۸۹)، در پژوهشی جهانی‌شدن، فرهنگ و زندگی روزمره را مورد بررسی قرار داده است. شعاعی (۱۳۹۰)، مطالعه‌ی تطبیقی علل ماندگاری حسینیه‌های ایران (تهران، ساری، بندرعباس، نائین) را مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق به بررسی علل ماندگاری حسینیه ها بر حسب نوع فعالیت، معنا و کالبد پرداخته شده است و این وجه مشترک این مطالعه با پژوهش ماست.

همچنین کروز[1] و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی پتانسیل معماری بیوفیزیکی در ماندگاری معماری و عملکرد حرارتی و محیطی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تکامل تاریخی ساختمان‌ها به صورت یکپارچه تأثیرپذیر از انرژی و سطح زیست‌محیطی به صورت مکرر می‌باشد. یزوردیاگا[2] (۲۰۱۴)، نیز در مطالعه‌ی خود بیان می‌کند که ماندگاری در فضای شهری و ساخت‌وساز به روش‌های مختلف تعریف شده است که به نظر می‌رسد دوام فنی مهمترین آنها از نظر وجود و قابلیت استفاده از ساختمان‌ها می‌باشد.

مبانی و مفاهیم نظری

امروزه کالبد بسیاری از آثار معماری و فضاهای شهری ماندگار و همچنان باقی است؛ ولی از آنجا که حیات ندارند و برای مردم فرهنگ‌سازی و حیات‌بخشی نمی‌کنند، جاودانگی نداشته و در عین ماندگاری مرده‌اند (پلاسما، ۱۳۸۵: ۱۹). فضاها و پدیده‌های ماندگار در طول زمان‌های مختلف و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر ابعاد مختلف زندگی، به بخشی از خاطرات جمعی تبدیل می‌شوند. به این ترتیب توجه به ماندگارها در طراحی فضا باعث افزایش حس تعلق به فضا می‌شود (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰)، در این حالت فضا از زمان دیگری غیر از زمان حال برخوردار است. همچنین تعلق به فضا از طریق حس مکان ایجاد می‌گردد. حس مکان یک پیوند پویا است که فرد در نتیجه‌ی هوشیاری، تعلق، رضایت و تعهد به مکان آن را توسعه می‌دهد (شامای[3]، ۳۴۷:۱۹۹۱ به نقل از پوراحمد و همکاران، ۸:۱۳۹۷). حس مکان یکی از مفاهیمی که ارتباط نزدیکی زیست‌پذیری فضا دارد (ساسان‌پور و همکاران، ۲۴۴:۱۳۹۷). رویکردهای کلی در حوزه‌ی ماندگاری و جاودانگی در ۳ دسته قابل تقسیم‌بندی است. اول؛ وجود ایده‌ی خاص و منحصر به فرد بر اساس نظر خواص و جامعه‌ی آکادمیک (معمارمحور، هنر پیشینی) (محمدزاده، ۱۳۸۵؛ معینی و ساعی‌نیا، ۱۳۸۳). دوم؛ توجه به ایده‌های مردمی و نظر عوام (مردم‌محور، هنر پسینی) (اینگرسول و تاتاری[4]، ۴۷:۱۳۸۷). سوم؛ دیدگاه فراگیر (توجه به هر دو بعد یا به تعبیری ساحتی فراتر و جامع‌تر، هنر جامع) (الکساندر[5]، ۱۳۸۶: ۸؛ مزینی، ۱۳۸۱: ۷).

1 - Cruz
2- Yzurdiaga
3 - Shamai
4 - Ingorsal and Tatari
5 - Alexander

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

جدول (۱). واژه‌شناسی و تعاریف موجود در راستای موضوع ماندگاری

مرجع‌ها	تعاریف	ملاحظات
فرهنگ لغت دهخدا (دهخدا، ۱۱۴:۱۳۷۷)	کسی که در جایی اقامت (دائم یا طولانی) کند. پایدار، بادوام، آنکه بماند، مقابل رفتنی.	ماندگاری با پایداری هم معنا دانسته شده است.
فرهنگ لغت معین (معین، ۳۷۱۹:۱۳۸۸)	کسی که در جایی اقامت (دائم یا طولانی) کند. پایدار، ماندنی.	ماندگاری با پایداری هم معنا دانسته شده است.
فرهنگ لغت عمید (عمید، ۹۰۲:۱۳۸۹)	پایدار، ماندنی.	ماندگاری با پایداری هم معنا دانسته شده است.
فرهنگ لغات تسارس	تداوم (Constancy)	تداوم به عنوان مترادف با ماندگاری بیان شده است.
فرهنگ لغات آکسفورد	ماندگار (Persistence)	واقعیت مداوم در عقیده و البته در عمل به رغم دشواری و یا مخالفت.
کوین لینچ (پاکزاد، ۱۰۸:۱۳۹۴)	میزان مقاومت عناصر یک شهر در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره‌ی طولانی.	
پاکزاد (پاکزاد، ۱۰۸:۱۳۹۴)	ماندنی، یعنی آنچه بتواند باقی باشد و تداوم یابد.	
شفیعیان داریانی، پورجعفر، قبادی (شفیعیان دارایانی و همکاران، ۳۵:۱۳۹۳)	میزان تداوم یک پدیده در طول زمان از منظر معنا و کالبد	

عوامل بسیاری بر ماندگاری یک فضا تأثیرگذارند که یکی از مهمترین آنها تداوم ارزش‌های فرهنگی در بستر زندگی روزمره و ضرب آهنگ‌های ناشی از آن می‌باشد. زندگی روزمره، مفهومی جدید در ادبیات علوم اجتماعی نیست. بسیاری از دانشمندان علوم انسانی به نحوی از انحاء به پروبلماتیک زندگی روزمره توجه نشان داده‌اند. اگرچه آشکارا واژه‌ی «زندگی روزمره[1]» به کار برده نشده است، اما این مفهوم در قالب‌هایی چون «فرهنگ توده[2]» و «فرهنگ عامه‌پسند[3]» به صورت گسترده استفاده شده است. البته بار معنایی مفهوم زندگی روزمره تا اندازه‌ی زیادی با سایر مفاهیمی که ذکر شد متفاوت است. فی‌المثل درک زندگی روزمره در قالب مفهوم فرهنگ توده، موجب ایجاد نگرشی انفعالی به متن زندگی شده است. با وجود این، مسئله‌ی فوق نزد همه‌ی متفکرانی که به زندگی و امر روزمره پرداخته‌اند، جنبه‌های مشترکی دارد (چریستل[4]، ۱۳:۲۰۱۷؛ موسوولد[5]، ۲:۲۰۰۵). از طرفی فعالیت و کار روزمره‌ی انسان به صورت چیزی عینی و مستقل در برابرش ظاهر می‌شود و بر او تسلط می‌یابد. این امر، هم در عرصه‌ی عینی و هم در عرصه‌ی ذهنی رخ می‌دهد. در عرصه‌ی عینی، دنیایی از اشیاء و مناسبات میان چیزها (دنیای کالاها و حرکت آنها در بازار) پدیدار می‌شود، به گونه‌ای که به صورت قدرت‌های شکست ناپذیری در برابر انسان‌ها قد علم می‌کنند، و به نظر تمام نیرویشان را خود، تولید

1 - everyday life
2 - mass culture
3 - popular culture
4 - Christl
5 - Mosvold

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

می‌کنند (کاظمی، ۱۳۹۴، ۱۸-۱۷). در راستای موضوع زندگی روزمره دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی ارائه شده که جدول(۲) به آنها پرداخته شده است.

جدول (۲). نظریه‌های اجتماعی زندگی روزمره

دیدگاه	نظریه‌پردازان	ملاحظات
پدیدارشناسی	آلفرد شوتس، گارفینکل	موضوع بررسی جامعه‌شناسی همان شیوه‌ای است که انسان‌ها از طریق آن "زندگی روزمره"شان را می‌سازند یا می‌آفرینند. شالوده‌ی دنیای اجتماعی را معرفت بدیهی و عقل سلیم تشکیل می‌دهند. جامعه‌شناس از طریق طرح خویش و متعاقب آن سازمان‌دهی، ذخیره‌ی مشترک معرفت است که از بقیه‌ی مردم متمایز می‌شود و از این طریق می واند گزارش عقلانی و در نتیجه، عینی از جهان اجتماعی ارائه دهد. زندگی روزمره به این معنا که به تفسیر کنش معاصران می‌پردازد و از سنّت دیرین جامعه‌شناسی که واقعیت‌های اجتماعی را در پرتو تحولات تاریخی، تاریخ تحول ذهن، تفکیک و تمایز ساخت‌ها و اشکال تاریخی آن تحلیل می‌کرد، فاصله می‌گیرد.
انتقادی	آدورنو، هورکهایمر، هابرماس	زندگی روزمره صرفاً امر مبتنی بر عقل سلیم و قاعده‌های ذهنی که اعضای جامعه به صورت اختیاری و آگاهانه از آن پیروی کنند نیست، قاعده‌مندی زندگی روزمره بیشتر ریشه در سرکوب دارد، تا عقلِ سلیم. کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری حاکم بر نظام‌های سیاسی، ادارای و اقتصادی به «جهان حیاتی» روزمره هجوم برده است، به گونه‌ای که در این فضا کنشگران، امکان شناخت، دریافت واقعیات و تصمیم گیری درست را ندارند، و در نتیجه، بحران از روابط اقتصادی و ادرای به بحران در معنا، تعهد، ارزش‌ها و باورها در جامعه‌ی سرمایه‌داری سرایت کرده است.
پست‌مدرنیست‌ها	بوردیار، جمسن، هاروی	به عقیده‌ی آنان آنان زندگی روزمره امر غیرفلسفی است، از این‌رو، یک فیلمساز مانند چارلی چاپلین بیشتر از فیلسوفان مانند افلاطون و هایدگر ما را به حقایق اجتماعی آگاه می‌سازد. به عقیده بعضی از متفکران پست‌مدرن، تصاویر، زندگی اجتماعی را جعلی ساخته‌اند. مرز بین واقعیت و تصویر و یا حقیقت و مجاز در جهان تصویری امروزه فرو ریخته است، و ایماژها به واقعیت تبدیل می‌شوند و به سختی می‌توان میان تصویر و واقعیت تمیز قایل شد.
بحث ضرب‌آهنگ	لوفور	ضرب‌آهنگ‌های زندگی روزمره دارای دو نگرش خطی و چرخه‌ای بوده که با تعریف ضرب آهنگ جلو رونده و غیر تکراری در هم ادغام شده و فلسفه‌ی زندگی ما را شکل می‌دهند. ضرب‌آهنگ از دید لوفور از فهم‌های ما از زمان و به‌ویژه تکرار جدایی‌ناپذیر است. هیچ ضرب آهنگی بدون تکرار در زمان و فضا، بدون تکرار تِم‌ها، بدون بازگشت‌ها، و خلاصه بدون معیار وجود ندارد، اما هیچ تکرار مطلقِ یکسانی به طور نامحدود نیز وجود ندارد. رابطه بین تکرار و تفاوت نیز از همین روست. تا زمانی که تکرار به امر روزمره، مناسک، تشریفات، جشن‌ها، آداب و قوانین مربوط باشد همیشه چیز جدید و پیش‌بینی نشده‌ای وجود دارد که خودش را در دل امر تکرارشونده می‌گنجاند، و این همان تفاوت است.

منبع: (آدورنو و هورکهایمر[1]، ۱۳۹۶؛ توسلی، ۱۳۹۶؛ لاجوردی، ۱۳۸۲، لوفور[2]، ۱۳۹۳).

تحلیل زندگی روزمره نشان می‌دهد که خود زمان اجتماعی چگونه و چرا تولیدی اجتماعی است. مانند همه‌ی تولیدات، مانند فضا، زمان نیز خود از یک‌سو به مصرف و ارزش مصرفی و از سوی دیگر به مبادله و ارزش مبادله‌ای تقسیم و تجزیه می‌شود. از یک‌سو فروخته و از سوی دیگر زندگی می‌شود. از این‌رو سلسله‌ای از فرض‌ها به‌سان نقطه‌ی آغازی برای ضرب‌آهنگ کاوی مطرح می‌شوند. نخست این‌که زمان روزمره به دو شیوه اندازه‌گیری می‌شود یا به بیان دقیق‌تر اندازه می‌گیرد و اندازه‌گیری می‌شود. از یک‌سو ضرب‌آهنگ‌ها و چرخه-

1 - Adorno and Hourkhaymer
2 - Lefebvre

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

های بنیادی ثابت می‌مانند و از سوی دیگر زمان کمی شده‌ی ساعت‌های مچی و دیگر انواع ساعت، تکرارهای یکنواختی را تحمیل می‌کنند. چرخه‌ها برهم زدن/برطرف کردن تکرار به تکرار نیرو می‌بخشند. دوم اینکه مبارزه‌ای تلخ و پنهانی بر سر زمان و استفاده از زمان وجود دارد. این مبارزه دربرگیرنده‌ی غیرمنتظره‌ترین پیامدهاست. ضرب‌آهنگ‌های به اصطلاح طبیعی به دلایل چندگانه‌ی تکنولوژیک و اجتماعی – اقتصادی تغییر می‌کنند. برای مثال فعالیت‌های شبانگاهی، ضرب‌آهنگ‌های شبانه‌روزی بازگشتی را تکثیر می‌کنند. انگار که روزهنگام برای انجام وظایف تکراری کافی نباشد و پرکتیس اجتماعی ذره ذره به شب کشیده می‌شود. سوم اینکه زمان کمی‌شده خودش را در معرض قانون عمومی صرف چنین جامعه‌ای قرار می‌دهد، این زمان یکدست و نیز یکنواخت می‌شود در حالی که به موازات این در حال تفکیک و تجزیه است (لوفور، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

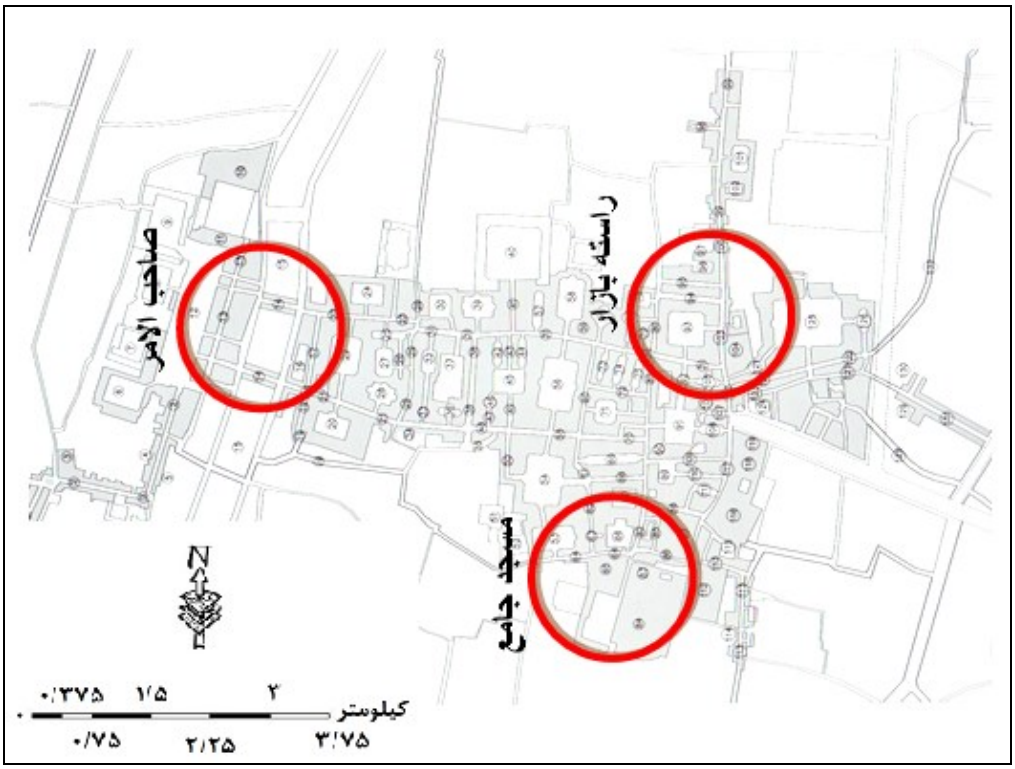
در مطالعه‌ی ضرب آهنگ‌ها می‌توان به دو شیوه عمل نمود: یکی از کل به جزء و دیگری از جزء به کل. در روش جزء به کل ضرب آهنگ‌های بدن، زنده یا غیرزنده، تنفس، نبض‌ها، جریان خون، فرایندهای جذب (مواد غذایی)، دوره‌ها و مراحل این دوره‌ها و مواردی از این دست، این شیوه به پرکتیس نزدیک است. در روش کل به جزء چرخه‌های اجتماعی، مناسک، تشریفات، جشن‌ها، آداب و قوانین می‌باشد که می‌تواند بر مجموعه تأثیرگذار باشد.

روش تحقیق

معرفی محدوده‌ی مورد مطالعه

بازار تبریز از قرن‌های نخستین اسلامی، از شهرتی خاص برخوردار بوده و برای پاسخگویی به فعالیت‌های تجاری، منطقه‌ی وسیعی از شهر را دربر می‌گرفت. بازار تبریز از قرن چهارم ه.ق. در منابع مختلف آمده است. پس می‌توان گفت که از عمر بازارهای مسقف تبریز حداقل هزار سال می‌گذرد. از اظهار نظرات چنین بر می‌آید که بازار تبریز ضمن داشتن فعالیت‌های مذهبی اجتماعی در فضاهای خود (تیمچه مظفری) از ثبات و پایداری و رونق اقتصادی شایان توجهی در دوران متمادی برخوردار بوده (پورجعفر و پورجعفر، ۲:۱۳۹۰). مساحت بازار تبریز ۲۹ هکتار بوده و طول راسته‌های آن ۵۷۶۰ متر می‌باشد و همچنین این بازار ترکیبی از انواع کاربری‌های اقتصادی، مذهبی و آموزشی با نقش‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. در یک شناسایی کلی می توان چین برداشت کرد که این بازار دردوره های تاریخی فرهنگی از دوره تیموری تا صفویه واز صفویه تا قاجاریه و در تمامی دوره های قاجاریه و پهلوی تا دوران معاصر همواره از اهمیت فرهنگی برای دوره های مختلف برخوردار بود که مردمان ازمنه مختلف آن را متروک نساخته و پیوسته در رونق آن کوشیده اند. در صورتی که بازارهایی همچون نایین و کرمان در دوره های مختلف مورد بی مهری فرهنگی مردمان دوره بعدی قرار گرفته و متروک شده اند و یا از رونق افتاده اند. شکل شماره ۱ موقعیت بازار تبریز و محدوده‌های مورد مطالعه‌ی آن را نشان می‌دهد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]



شکل (۱). موقعیت قرارگیری محدوده‌های مورد مطالعه‌ی در سطح بازار تبریز

روش شناسی

روش تحقیق در مطالعه‌ی حاضر توصیفی – تحلیلی است که برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی و میدانی (پرسشگری و مصاحبه) استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا مؤلفه‌های مؤثر بر ماندگاری فضاهای شهری با توجه به مطالعات نظری استخراج و با توجه به سه محدوده‌ی مورد مطالعه‌ی بازار تبریز (محدوده‌های مسجد جامع، راسته بازار و صاحب‌الامر) از منظر مؤلفه‌های کارکردی، کالبدی و هویت – معنا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این تحقیق جامعه‌ی آماری شهروندان حاضر در محدوده‌های مورد مطالعه، مسئولان شهری و نخبگان دانشگاهی بوده که با توجه به مشخص نبودن جامعه‌ی آماری ۲۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده که روش تعیین آنها بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد. در این تحقیق همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات در راستای شناسایی عوامل مؤثر از روش تحلیل واریانس (F) و برای بررسی تأثیر ضرب آهنگ‌های زندگی رومره بر ماندگاری فضاهای شهری از روش کیفی استقرایی بر اساس مصاحبه از حجم نمونه و استدلال نگارندگان بهره گرفته شده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

نتایج

ارزیابی تفاوت مؤلفه‌های ماندگاری در فضاهای مختلف بازار تبریز

به منظور سنجش مؤلفه‌های ماندگاری در سه بخش بازار تبریز (مناطق مسجد جامع، راسته بازار و میدان صاحب‌الامر) از آزمون F یا تحلیل واریانس[1] استفاده شده است. این آزمون برای سنجش میزان تفاوت بین میانگین یک متغیر در بین بیش از دو گروه (۳ گروه و بیشتر)، به کار می‌رود (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۵۵۸).

جدول (۳). کدبندی مؤلفه‌های تحقیق

عوامل اصلی	مؤلفه‌های مرتبط
معنا و هویت (MI)	خاطره‌انگیزی و ایجاد حس تعلق به فضا (MI1)
	انعکاس عناصر روحانی، ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه (MI2)
	استفاده از الگوهای کهن و سنتی ایرانی (MI3)
	منحصربه‌فرد بودن اثر (فرم زیبا، خلاقیت و نوآوری اثر، اثرگذاری مطلوب) (MI4)
کارکرد و عملکرد (FF)	ترکیب با سایر فضاها و عملکردها (وجود کاربری‌های ترکیبی) (FF1)
	کیفیت حضور انسان در مکان (FF2)
	پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی انسانی (FF3)
	توجه به بعد اجتماعی انسان و وجود فضاهایی برای تعاملات اجتماعی (FF4)
کالبد (Ph)	تأکید بر انسان در طراحی (نشستن، حرکت و استراحت) (ph1)
	هماهنگی فرم بنا با بستر طرح (Ph2)

در این پژوهش با استفاده از این آزمون و آزمون تعقیبی آن (TUKEY)، به دنبال مقایسه‌ی چندگانه در میان سه بخش بازار تبریز می‌باشم.

فرمول کلی آزمون F به شکل رابطه(۱) می‌باشد؛

رابطه(۱):

$$V.R = \frac{MSK}{MSE}$$

که از طرق ر.ابط(۳ و ۲) به دست می‌آید:

تقسیم مجموع مربعات میان‌گروهی بر درجه‌ی آزادی:

رابطه(۲):

$$SSK = \sum_{i=1}^{k} \frac{(X_{i.})^2}{n_i} - \frac{X_{..}^2}{n}$$

تقسیم مجموع مربعات درون‌گروهی بر درجه‌ی آزادی:

رابطه(۳):

$$SSE = \sum_{j=1}^{k} \sum_{i=1}^{n_j} x_{ij}^2 - \sum_{j=1}^{k} \frac{(x_{i.})^2}{n_i}$$

1 - ANOVA

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

باتوجه به میزان آماره F با رقم ۳۷/۵۶۳ و سطح معناداری ۰/۹۹، نتایج حاصله حاکی از آن است که تفاوت معناداری میان شاخص‌های منتخب در پژوهش حاضر وجود دارد. بنابراین چنین استنباط می‌شود که حداقل یک زوج از طبقه‌ها با هم اختلاف دارند. حال برای مشخص‌نمودن این‌که کدام‌یک از این زوج‌ها با هم متفاوتند، می‌باید از آزمون‌های ویژه‌ی موسوم به آزمون‌های پس از تجربه استفاده نمود. از طرفی به دلیل اهمیت و کثرت شاخص‌های منتخب از آزمون تعقیبی TUKEY، استفاده شده است جدول(۵).

جدول (۴). تحلیل واریانس مقایسه‌ی میانگین شاخص‌های نگرش مثبت شهروندی در بافت‌های شهری

میزان واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	معناداری
میان‌گروهی	۳۶/۵۲۱	۹	۴۲۲/۴	۳۷/۵۶۳	۰/۰۰۰
درون‌گروهی	۴۱/۳۴۳	۳۵۷	۰/۱۵۲	-	-
مجموع	۷۷/۸۶۴	۳۶۶	-	-	-

در ادامه هر یک از مؤلفه‌ها با توجه به میزان امتیاز حاصله از آزمون تعقیبی TUKEY، در یک طبقه قرار می‌گیرند و آن دسته از شاخص‌های منتخب ماندگاری که با شاخص‌های دیگر اختلاف دارند مشخص می‌شوند (در پژوهش حاضر تحت عنوان زیرمجموعه‌ی ۴ از آنها یاد شده است جدول(۵).

که فرمول کلی آن به شکل رابطه(۴) است؛

رابطه(۴):

$$HSD = q_{\alpha,k,N-k}\sqrt{\frac{MSE}{n}}$$

a: سطح معنی‌داری

K: تعداد میانگین‌ها

n: تعداد کل مشاهدات در رفتار

N: تعداد کل مشاهدات

Mse: میانگین مربعات خطای ارائه شده در تحلیل ANOVA

بنابراین طبق نتایج در محدوده‌ی مسجد جامع شاخص‌های انعکاس عناصر روحانی، ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه؛ پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی انسانی؛ و ترکیب با سایر فضاها و عملکردها (وجود کاربری‌های ترکیبی)؛ در محدوده‌ی راسته بازار شاخص‌های منحصربه‌فرد بودن اثر (فرم زیبا، خلاقیت و نوآوری اثر، اثرگذاری مطلوب)؛ خاطره‌انگیزی و ایجاد حس تعلق به فضا؛ و پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی انسانی؛ و در محدوده‌ی صاحب‌الامر شاخص‌های انعکاس عناصر روحانی، ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه؛ استفاده از الگوهای کهن و سنتی ایرانی؛ و هماهنگی فرم بنا با بستر طرح با دیگر شاخص‌ها تفاوت معناداری را نشان می‌دهند. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در محدوده‌ی مسجد جامع عامل معنویت، اجتماعی – اقتصادی و کارکردی، در محدوده‌ی راسته بازار عامل هویت و اجتماعی - اقتصادی و در محدوده‌ی صاحب‌الامر عامل هویت - معنویت بیشترین دلیل ماندگاری محدوده‌های مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

جدول (۵). زیرمجموعه‌های همگن با استفاده از آزمون TUKEY

محدوده	شاخص	آلفای زیرمجموعه‌ها			
		۱	۲	۳	۴
مسجد جامع	Ph1	۳/۲۲۴۸			
	Ph2	۳/۳۰۰۷			
	MI3	۳/۳۴۷۹			
	MI4	۳/۳۶۹۲	۳/۳۶۹۲		
	FF2		۳/۴۷۲۸		
	MI1		۳/۶۰۱۱	۳/۶۰۱۱	
	FF4			۳/۷۱۴۵	
	FF1			۳/۸۶۴۴	۳/۸۶۴۴
	FF3				۴/۳۷۴۱
	MI2				۴/۶۵۱۲
راسته بازار	MI2	۳/۱۸۹۵			
	FF1	۳/۲۰۱۹			
	FF2	۳/۲۲۷۱			
	Ph2	۳/۲۵۱۹	۳/۲۵۱۹		
	Ph1		۳/۳۷۶۴		
	FF4		۳/۵۴۱۰	۳/۵۴۱۰	
	MI3			۳/۶۴۲۵	
	FF3			۳/۷۶۹۱	۳/۷۶۹۱
	MI1				۴/۲۵۶۷
	MI4				۴/۵۷۱۴
صاحب‌الامر	Ph1	۲/۸۴۲۷			
	FF1	۳/۰۱۵۴			
	FF2	۳/۱۰۷۶	۳/۱۰۷۶		
	MI4		۳/۱۲۹۴		
	MI1		۳/۲۱۵۷		
	FF3		۳/۳۵۹۲	۳/۳۵۹۲	
	FF4			۳/۵۷۱۶	
	Ph2			۳/۶۵۲۷	۳/۶۵۲۷
	MI3				۴/۱۷۴۵
	MI2				۴/۳۲۴۱

با توجه به میزان لامبدای ویکلز[1]، وضعیت ابعاد منتخب پژوهش از نظر میزان توان پیش‌بینی آنها در ماندگاری فضاها سنجیده شده است. زیرا در این آماره هرچه رقم لامبدای ویکلز به یک نزدیک‌تر باشد نشان از کاهش توان پیش‌بینی دارد و هرچه به سمت صفر میل کند قدرت پیش‌بینی افزایش پیدا می‌کند.

1 - lambda Wilkes test

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

بنابراین در محدوده‌ی مسجد جامع مؤلفه‌های جامع انعکاس عناصر روحانی، ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه؛ و پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی انسانی (عامل معنویت و اجتماعی – اقتصادی) با توان پیش‌بینی ۰/۳۷۶ و ۰/۳۵۲؛ در محدوده‌ی راسته بازار مؤلفه‌های منحصربه‌فرد بودن اثر (فرم زیبا، خلاقیت و نوآوری اثر، اثرگذاری مطلوب) و خاطره‌انگیزی و ایجاد حس تعلق به فضا (هویت) با توان پیش‌بینی ۰/۳۴۵ و ۰/۳۱۴ و در محدوده‌ی صاحب‌الامر مؤلفه‌های انعکاس عناصر روحانی، ارزش‌ها و باورهای آیینی جامعه و هماهنگی فرم بنا با بستر طرح (عامل معنویت و هویت) با توان پیش‌بینی ۰/۳۲۷ و ۰/۳۰۵ بیش از دیگر مولفه‌های ماندگاری توان پیش‌بینی در این حوزه را دارا می‌باشند. این درحالی است که مدل تحلیل تشخیص با مقدار ویژه‌ی بدست آمده به میزان استاندارد در تشخیص و پیش‌بینی مطلوبیت از سوی کل ارزش ابعاد عملکرد صحیحی داشته است. نتایج کلی در مورد پیش‌بینی وضعیت ماندگاری در فضاهای بازار تبریز (معماری – عملکردی) نیز بر اساس ارزش لامبدای ویکلز کلی حاکی از آن است که تفاوت معناداری در برخورداری از این مؤلفه‌ها در محدوده‌های مختلف بازار وجود دارد و خواهد داشت.

جدول (۶). تحلیل تشخیص برای پیش بینی میزان ماندگاری در محدوده‌های مختلف بازار تبریز

محدوده	شاخص	لامبدای ویکلز	لامبدای ویکلز کلی	مقدار ویژه	توان پیش‌بینی	معناداری
مسجد جامع	MI1	۰/۲۴۵	۰/۲۲۴	۰/۶۵	۰/۲۸۷	۰/۰۰۰
	MI2	۰/۱۷۴			۰/۳۷۶	۰/۰۰۰
	MI3	۰/۳۵۶			۰/۱۴۶	۰/۰۰۲
	MI4	۰/۳۱۹			۰/۱۷۴	۰/۰۰۱
	FF1	۰/۲۲۷			۰/۳۲۱	۰/۰۰۰
	FF2	۰/۲۷۸			۰/۲۱۷	۰/۰۰۱
	FF3	۰/۱۹۶			۰/۳۵۲	۰/۰۰۲
	FF4	۰/۲۶۰			۰/۲۴۵	۰/۰۰۰
	Ph1	۰/۴۲۷			۰/۰۹۷	۰/۰۰۰
	Ph2	۰/۳۸۲			۰/۱۱۹	۰/۰۰۱
راسته بازار	MI1	۰/۱۵۲	۰/۲۴۷	۰/۷۷	۰/۳۱۴	۰/۰۰۰
	MI2	۰/۴۱۳			۰/۰۸۴	۰/۰۰۰
	MI3	۰/۲۲۱			۰/۲۶۹	۰/۰۰۰
	MI4	۰/۱۴۶			۰/۳۴۵	۰/۰۰۱
	FF1	۰/۳۷۱			۰/۰۹۱	۰/۰۰۱
	FF2	۰/۳۴۵			۰/۱۰۷	۰/۰۰۰
	FF3	۰/۱۸۳			۰/۳۰۲	۰/۰۰۰
	FF4	۰/۲۳۷			۰/۲۲۴	۰/۰۰۲
	Ph1	۰/۲۸۰			۰/۱۷۱	۰/۰۰۱
	Ph2	۰/۳۲۶			۰/۱۵۹	۰/۰۰۱
صاحب‌الامر	MI1	۰/۲۰۸	۰/۲۷۹	۰/۸۳	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰
	MI2	۰/۱۲۹			۰/۳۲۷	۰/۰۰۰
	MI3	۰/۱۴۲			۰/۳۰۵	۰/۰۰۱
	MI4	۰/۲۷۹			۰/۱۴۷	۰/۰۰۰

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

	FF1	۰/۳۷۲			۰/۰۸۵	۰/۰۰۲
	FF2	۰/۳۲۴			۰/۱۱۹	۰/۰۰۰
	FF3	۰/۱۹۳			۰/۲۱۰	۰/۰۰۱
	FF4	۰/۱۷۶			۰/۲۵۹	۰/۰۰۲
	Ph1	۰/۴۰۲			۰/۰۶۴	۰/۰۰۰
	Ph2	۰/۱۵۷			۰/۲۸۴	۰/۰۰۱

نقش ضرب آهنگ‌های زندگی روزمره در ماندگاری فضاهای مختلف بازار تبریز

تغییرات ایجاد شده در فضاهای شهری و ماندگاری آنها از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد که از مهمترین آنها می‌توان به مؤلفه‌های زندگی روزمره (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) اشاره کرد. این مؤلفه‌های زندگی روزمره دارای ضرب‌آهنگ‌هایی است که به دو رویکرد خطی و چرخه‌ای قابل تقسیم هستند. در این قسمت از تحقیق عوامل و شاخصه‌های تأثیرگذار بر ماندگاری فضاها و بنای بازار تاریخی تبریز در قالب سه مؤلفه‌ی معنا - هویت، کالبد و کارکرد - عملکرد بر اساس مطالعات اسنادی، مصاحبه با متخصصان و شهروندان شناسایی شده‌اند و بر اساس تجزیه و تحلیل آنها نتایج در قالب جدول(۷) بیان گردیده‌اند.

جدول (۷). نقش ضرب آهنگ‌های زندگی روزمره در ماندگاری فضاهای مختلف بازار تبریز

عوامل مؤثر بر ماندگاری	رویکرد ضرب آهنگ‌ها	تأثیر ضرب‌آهنگ‌های زندگی روزمره		
		محدوده‌ی مسجد جامع	محدوده‌ی راسته بازار	محدوده‌ی صاحب‌الامر
معنا و هویت	خطی	ارتقای فضاهای مناسب برای مراوادات اجتماعی؛ حفظ و ارتقای روح معنویت در فضای بازار تبریز	حفظ و ارتقای فضاهای مناسب برای مراوادات اجتماعی	تغییر روح معنویت با تغییر کاربری مسجد صاحب‌الامر به موزه کتابت و قرآن
	چرخه‌ای	-	عدم وجود ارزش‌های فرهنگی	عدم دسترسی مناسب به محدوده‌ی مورد مطالعه و تغییر نقش آن
کارکرد و عملکرد	خطی	ترکیب عملکردهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در محور زمان و پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی	حفظ کارکرد اقتصادی در محور زمان و عدم توجه مناسب به مراوادات اجتماعی و اقتصادی	تغییر کارکرد محدوده‌ی مورد مطالعه و کاهش نقش معنویت
	چرخه‌ای	تأکید بیش از اندازه به نیازهای مصرفی و عدم توجه به خدمات	عدم تغییر در فعالیت‌های اقتصادی متناسب با گذر زمان	-
کالبد	خطی	تغییر مثبت کالبد محدوده بر اساس نیازهای امروزی	ثابت ماندن کالبد محدوده	تغییر مثبت کالبد محدوده بر اساس نیازهای امروزی
	چرخه‌ای	عدم توجه به دسترسی‌ها و نیازهای خدماتی انسانی	عدم توجه به دسترسی‌ها و نیازهای خدماتی انسانی	عدم توجه به دسترسی‌ها و نیازهای خدماتی انسانی

در بررسی تأثیر زندگی روزمره و ضرب‌آهنگ‌های آن بر ماندگاری فضای بازار تبریز می‌توان عنوان کرد که زندگی روزمره دارای دو نوع ضرب‌آهنگ می‌باشد که اولی خطی و دومی چرخه‌ای می‌باشد؛ که در عرصه‌های

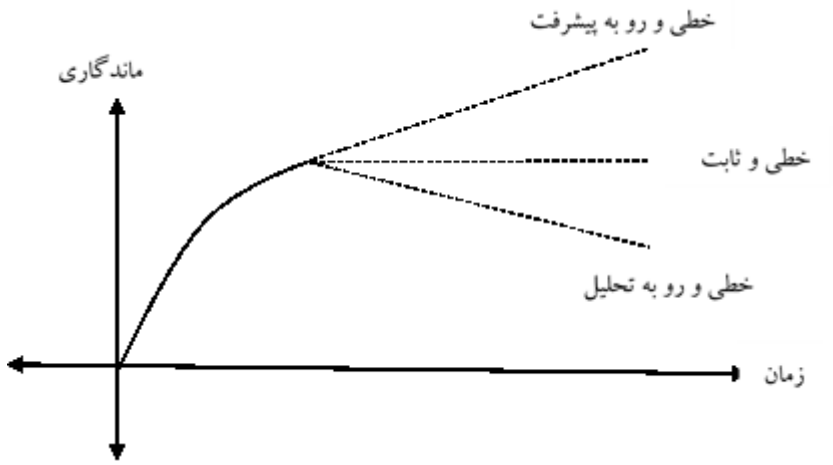
[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و سیاسی، فضای بازار تبریز را دستخوش تغییراتی (مثبت و منفی) کرده است. فضای بازار تبریز نمونه‌ی بارزی از فضای شهری با معماری تاریخی است. می‌توان عنوان کرد که بازار تبریز دارای معنا و روح کالبدی برای اجتماع محلی بوده و با تغییر فرهنگ‌ها در طول زمان هویت خودش را حفظ کرده و پدیده‌ای ماندگار شده است که این امر ناشی از هویت فرهنگی، تاریخی و اجتماع‌پذیری این بنا بوده است. از اینرو می‌توان عنوان کرد که فرهنگ و اجتماع دارای ضرب‌آهنگ‌هایی است که تأثیر بسزایی در ماندگاری معماری ایفا می‌کنند. چنانچه تکرار چرخه‌ای مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی مانند مراودات اجتماعی در فضای بازار تبریز ماندگاری این بنا را حفظ کرده و تغییرات خطی اجتماع و فرهنگ نیز در بعضی مواقع باعث ارتقای ماندگاری و بعضی مواقع مانند تغییرات سبک زندگی و تعاملات اجتماعی باعث افول و رکود فضای بازار گردیده است. همچنین مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی در مواردی تأثیر مثبت و در مواردی نیز تأثیر منفی بر ماندگاری فضای بازار تبریز گذاشته‌اند. حاکمان سیاسی در یک دوره (عصر حاضر) سعی در حفظ تاریخ و سنت پیشین داشته‌اند و در مواردی (عصر پهلوی) با مدرن ساختن شهرها و تخریب فضاهای تاریخی مختلف باعث مرگ و رکود فضاهای شهری شده‌اند.

با توجه به نتایج بدست آمده از مصاحبه در محدوده‌های مورد مطالعه و همچنین استنتاج نگارندگان می‌توان عنوان کرد که ضرب آهنگ‌های خطی در محدوده‌ی مسجد جامع روبه پیشرفت بوده و از منظر مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی باعث ارتقای روح معنویت و ترکیب عملکردها در محور زمان گردیده است و همچنین از منظر ضرب آهنگ‌های چرخه‌ای (ثابت ماندن مذهب، سنت‌ها و ارزش‌ها) نیز در بیشتر مواقع مانایی محدوده حفظ شده است. با این وجود در تکرار ضرب آهنگ‌های اقتصادی تا حدودی کالبد فضا تغییر یافته است. در محدوده‌ی راسته بازار ضرب آهنگ‌های خطی در شکل مثبت موجب افزایش تعاملات اجتماعی و در شکل منفی موجب عدم همگام‌سازی با نیازهای عصر حاضر گردیده است. ضرب آهنگ‌های چرخه‌ای نیز تکرار مراوادات اقتصادی را نشان می‌دهد که عدم توجه به ارزش‌های فرهنگی موجب رکود این بخش تا حدودی گردیده است. در مورد محدوده‌ی صاحب‌الامر ضرب آهنگ‌های خطی در بخش معنا و هویت و همچنین کارکرد و عملکرد به شکل منفی و در بخش کالبد به شکل مثبت تأثیر خود را نشان می‌دهند. چنانچه تغییر ارزش‌های فرهنگی و کارکرد معنویت تا حدودی موجب رکود و ارتقای دسترسی‌ها مانایی را ارتقاء داده است. ضرب آهنگ‌های چرخه‌ای نیز در این محدوده موجب رکود این فضا شده است.

در شکل(۲) نشان داده شده است که ضرب آهنگ‌های چرخه‌ای و خطی می‌توانند در محور زمان ماندگاری و رکود فضاهای شهری را موجب گردند و همچنین ضرب آهنگ‌های خطی توانایی ثابت نگه داشتن ماندگاری را نیز دارا می‌باشد. این ضرب آهنگ‌ها در محور زمان بر فضاهای مختلف شهری از منظر مؤلفه‌های هویت و معنا (ارزش‌های فرهنگی)، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی تغییرات مختلفی بر جای می‌گذارد.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]



شکل (۲). تأثیرات ضرب آهنگ‌های زندگی روزمره و تأثیر آن بر ماندگاری فضای شهری

نتیجه‌گیری

ماندگاری و جاودانگی فضای شهری و بناهای آن و همچنین مرگ و نابودی آنها در گرو مؤلفه‌های زندگی روزمره می‌باشد. زندگی روزمره دارای ضرب‌آهنگ‌هایی است که طی فرایند تاریخی تأثیرات خود را بر ماندگاری و افول فضاهای مختلف می‌گذارد. از جمله ضرب‌آهنگ‌های زندگی روزمره که بر ماندگاری فضاهای شهری تأثیرگذار است ضرب‌آهنگ‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بوده که به صورت خطی و چرخه‌ای می‌باشند. تغییرات حاصل از ضرب آهنگ‌های خطی و تکراری در فضاهای مختلف بصورت منفی و مثبت در ابعاد مختلف نمایان می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع، هدف از تحقیق حاضر سنجش ماندگاری فضای بازار تبریز (محدوده‌های مسجد جامع، راسته بازار و صاحب‌الامر) و همچنین تأثیر ضرب آهنگ‌های زندگی روزمره بر ماندگاری این فضاها می‌باشد. با بررسی پیشینه‌ی مطالعاتی مشخص گردید که ماندگاری فضای معماری وابسته به مؤلفه‌های معنا و هویت، کارکرد و عملکرد و کالبد می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در محدوده‌ی مسجد جامع عامل معنویت و کارکردی، در محدوده‌ی راسته بازار عامل هویت و در محدوده‌ی صاحب‌الامر عامل هویت - معنویت بیشترین دلیل ماندگاری محدوده‌های مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به نتایج مستخرج از تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطاعات می‌توان عنوان نمود به منظور افزایش مانایی در فضای شهری علی‌الخصوص فضاهای تاریخی نیاز به درک عمیقی از هویت فرهنگی و تعلق مکانی در این فضاها احساس می‌شود. همچنین تکرار و تغییر ضرب‌آهنگ‌های زندگی روزمره در آینده‌ی فضای شهری تأثیر بسزایی خواهد داشت. چنانچه اگر این تغییرات و تکرارها موجب روزمرگی و افول فرهنگی و همچنین نادیده پنداشتن فضاهای شهری گردد، موجب کاهش مانایی در فضاهای تاریخی می‌گردد. چنانچه نتایج در مورد تأثیر ضرب آهنگ‌ها در ماندگاری فضاهای مختلف بازار تبریز حاکی از آن است که ارتقای ارزش‌های فرهنگی و هویت و معنویت با سایر عملکردها در محور زمان مانایی فضاها را افزایش داده و تکرار مؤلفه‌های غیرفرهنگی در بعضی موارد مانند تأکید بیش از اندازه به ارزش‌های اقتصادی رکود را به دنبال داشته است. همچنین ضرب آهنگ‌ها به صورت کل به

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

جزء یعنی تأثیر ارزش‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و ... بر انسان و زندگی روزمره‌ی آن تأثیر مثبت و منفی از مانایی یا رکود یک فضا می‌باشند.

در نهایت مقایسه‌ی این پژوهش با مطالعات مختلف همچون پژوهش یزوردیاگا (۲۰۱۴)، کروز و همکاران (۲۰۱۱) و شعاعی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که مطالعات انجام شده بیشتر تحت تأثیر یک بعد کالبد، محیط‌زیست یا معنا و بار هویتی انجام گردیده‌اند، ولی این تحقیق به صورت تلفیقی با به کار بستن مؤلفه‌های مختلف معنا و هویت، کالبد و کارکرد و عملکرد و همچنین بهره‌گیری از مؤلفه‌های اجتماعی و زندگی روزمره در پژوهش‌های کمالی (۱۳۸۹)، صالحی‌نیا (۱۳۸۸) و میک (۱۳۸۱) و همچنین تأثیرپذیری از ضرب‌آهنگ کاوی در مطالعه‌ی کامیار (۱۳۸۷) نگارش شده است. همچنین مطالعات پیشین ضرب‌آهنگ‌ها، زندگی روزمره و ماندگاری را به صورت جدا مطالعه نموده‌اند و تفاوت این پژوهش با مطالعات قبلی کاربست مؤلفه‌های این سه موضوع در فضای شهری و تأثیر آن‌ها بر ماندگاری و مانایی و همچنین رکود فضای شهری بوده است. همچنین نتایج بدست آمده تأییدی از پژوهش شماعی (۱۳۹۰) در مورد تأثیر معنویت و هویت در افزایش مانایی و ماندگاری است.

منابع

آدورنو، تئودور و هورکهایمر، ماکس (۱۳۹۶)، **دیالیکتیک روشنگری**، ترجمه‌ی مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران، هرمس.

آیوازیان، سیمون (۱۳۸۵)، **جست و جویی برای دستیابی بـه هنـر و معمـاری متعـالی**، مجلـه‌ی معمـاری و فرهنـگ، ۲۵: ۲۵-۱.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۶)، **معماری و راز جاودانگی**، ترجمه‌ی مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

اینگرسول، ریچارد و تاتاری، کریستینا (۱۳۸۷)، **معماری بدون مردم**، ترجمه‌ی عباس مخبر، مجله‌ی معمار، ۳۷: ۳۰-۱۵.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۹۴)، **مبانی نظری و فرایند طراحی شهری**، تهران، انتشارات شهیدی.

پالاسما، یوهانی (۱۳۸۵)، **تعهد اجتماعی و معمار خودمختار**، ترجمه‌ی مجتبی پوررسول، مجله‌ی معماری و شهرسازی، ۳۸-۳۹: ۱۷-۱.

پوراحمد، احمد، مرادپور، نبی و حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۹۷)، **بررسی تأثیر ابعاد کالبدی – فضایی بر پیاده‌مداری در شهر تهران (نمونه موردی: محلات امیرآباد و دانشگاه تهران)**، نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۵۱: ۲۲-۱.

پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی (۱۳۹۰)، **نقش سرمایه‌ی اجتماعی در وضعیت اقتصادی بازارهای سنتی در ایران**، مشهد، اولین همایش اقتصاد شهری در ایران.

توسلی، غلامعباس (۱۳۹۶)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران، انتشارات سمت.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

تهرانی (فخاری)، فرهاد، پارسی، فرامرز و بانی مسعود، امیر (۱۳۸۵)، **بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز**، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

حسینی، سیدهادی (۱۳۹۶)، **شهر فشرده و توسعه‌ی پایدار شهری سبزوار**، نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۴۵: ۱۱۶-۹۳.

دهخدا علی‌اکبر (۱۳۷۷)، **لغت‌نامه‌ی دهخدا**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی دهخدا.

ریتزر، جرج (۱۳۹۴)، **نظریه‌ی جامعه‌شناسی دوران معاصر**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

ساسان‌پور،فرزانه، علیزاده، سارا و اعرابی مقدم، حوریه (۱۳۹۷)، **قابلیت‌سنجی زیست‌پذیری مناطق شهری ارومیه با مدل RALSPI**، نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۴۸: ۲۵۸-۲۴۱.

سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳)، **کاربری زمین شهری**، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

شعاعی، حمیدرضا (۱۳۹۰). **مطالعه‌ی تطبیقی علل ماندگاری حسینیه‌های ایران (تهران، ساری، بندرعباس، نائین)**، رساله‌ی دکترای معماری به راهنمایی دکتر مختاباد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

شفیعیان داریانی، فائزه، پورجعفر، محمدرضا و قبادی، علیرضا (۱۳۹۳)، **مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه‌ی آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر**، پژوهش‌های معماری اسلامی، ۵: ۵۰-۳۲.

صالحی‌نیا، مجید (۱۳۸۸)، **اجتماع‌پذیری فضای معماری**، رساله‌ی دکتری رشته‌ی معماری به راهنمایی دکتر معماریان، تهران، دانشگاه علم و صنعت، دانشکده معماری.

طهماسبی، ارسلان و حاتمی گلزاری، الهام (۱۳۹۴)، **مطالعه تطبیقی فلسفه وجودی میدان در ایران و یونان، مطالعه موردی آگورای آتن و میدان صاحب الامر تبریز**، تهران، سومین کنگره بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری.

کاظمی، عباس (۱۳۹۴)، **پرسه‌زنی و زندگی روزمره‌ی ایرانی**، تهران، انتشارات فرهنگ جاوید.

کامیار، مریم (۱۳۸۷)، **هنر، تکرار ریتم کیهانی با رویکرد نشانه‌شناختی**، رساله‌ی رشته‌ی معماری به راهنمایی دکتر آیت‌الهی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.

کمالی، سید مجید (۱۳۸۹)، **جهانی شدن، فرهنگ و زندگی روزمره: زندگی بی زندگی**، نشریه‌ی زمانه، ۹۵: ۴۱-۴۰.

کرایب،یان(۱۳۹۵)، **نظریه‌ی اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس**،ترجمه عباس مخبر، تهران، نشرآگاه.

لاجوردی، هاله (۱۳۸۲)، **بازنمایی زندگی روزمره در سینما**، رساله‌ی دکتری علوم اجتماعی به راهنمایی دکتر تقی آزاد ارمکی، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

لوفور، هنری (۱۳۹۳)، **ضرب‌آهنگ کاوی، فضا، زمان و زندگی روزمره**، ترجمه‌ی آیدین ترکمه و آتوسا مدیری، تهران، انتشارات رخداد نو.

محمدزاده، محمد (۱۳۸۵)، **در جستجوی قطعه‌ی گمشده**، مجله‌ی معمار، ۲۹: ۳۲-۲۴.

مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷)، **فضاهای عمومی و خصوصی شهر**، ترجمه‌ی فرشاد نوریان، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]

مدیری، آتوسا (۱۳۸۵)، **جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر**، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۲: ۲۹-۱۱.

مزینی، منوچهر (۱۳۸۱)، **معماری و مردم**، مجله‌ی معمار، ۱۸: ۱۷-۴.

معین، محمد (۱۳۸۸)، **فرهنگ لغات معین**، تهران، انتشارات سپهر تهران.

معینی، حسین و ساعی‌نیا، محمد (۱۳۸۳)، **اخلاق و تفکر خلاقانه‌ی معماری در دنیای امروز**، دومین کنگره‌ی تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد نخست، تهران، نشر رسانه پرداز.

میک، فدرستون (۱۳۸۰)، زیبایی شناختی کردن زندگی روزمره، مجله‌ی ارغوان، ۱۹: ۲۲۸-۱۸۷.

نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۴)، **برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری**، تهران، انتشارات کتاب فکرنو.

نقره‌کار، عبدالحمید،حمزه‌نژاد، مهدی و فروزنده،آیسان(۱۳۸۸)،**راز جاودانگی آثار معماری، تحلیلی بر نگرش-های نوگرا، فرانوگرا و رویکردهای فراگیرتر**، مجله علمی پژوهشی باغ نظر، ۱۲: ۴۴-۳۱.

Christl, W. (2017), **Corporate Surveillance in everyday life**, A Report by Cracked Labs, Vienna, June 2017.

Cruz, N, S, Torres, M, I, M, Da Silva, J, A, R, M. (2011), **Bioclimatic Architecture Potential in Buildings Durability and in their Thermal and Environmental Performance**, International Conference on Durability of Bulding Materials and Componenents, Porto – Portugal, April 12th-15th.

Fishman D, K. (2013), **Sociology of everyday life**, Current Sociology, 61(5-6): 714-732.

Hillier, Bill. Hanson, Julienne. (2003), **The Social Logic of Space**, Transferred to Digital Printing, United Kingdom, Cambridge University Press.

Mosvold, R. (2005), **Mathematics in everyday life a study of beliefs and actions**, Thesis in Department of Mathematics University of Bergen.

Yzurdiaga, Katherine P. (2014), "**Reconsidering Firmitas: Durability as an Integral Function of the Sustainably Built Environment**", Pomona Senior Theses: 111, http://scholarship.claremont.edu/pomona_theses/111.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1400.21.60.17.3]
[DOI: 10.52547/jgs.21.60.201]